

(تفسيرهم الغصن الوارد في اشعيا بأنه عيسى (ع) غير صحيح...)

(شاخه‌ای را که در اشعيا آمده است به عيسى ع تفسير می‌کنند که صحيح نیست...)

س ٤ / يُفسَّرُ القساوسة والكنيسة الغصن الذي ينبت من جذع يسي ([٤٧])
بالمسيح ع ، فهل هذا صحيح؟

پرسش ٤: كشيها و كليسا ، شاخه‌ای را که از تنهٔ يسي می‌روید [٤٧] به
مسيح ع تفسير نموداند. آیا این صحيح است؟

ج/سؤالك عن الغصن الوارد في اشعيا:

- 1) ويخرج قضيب من جذع يسي وينبت غصن من أصوله
- 2 ويحل عليه روح الرب روح الحكمة والفهم روح المشورة والقوة روح المعرفة ومخافة الرب.
- 3 ولذته تكون في مخافة الرب فلا يقضي بحسب نظر عينيه ولا يحكم بحسب سمع أذنيه.
- 4 بل يقضي بالعدل للمساكين ويحكم بالإنصاف لبائسي الأرض ويضرب الأرض بقضيب فمه ويميت المنافق بنفخة شفثيه.
- 5 ويكون البر منطقة متنيه والأمانة منطقة حقويه

- 6 فيسكن الذئب مع الخروف ويربض النمر مع الجدي والعجل والشبل
والمسمن معاً وصبي صغير يسوقها.
- 7 والبقرة والدبة ترعيان. تربض أولادهما معا والأسد كالبقر يأكل تبناً.
- 8 ويلعب الرضيع على سرب الصل ويمد الفطيم يده على حجر الأفعوان.
- 9 لا يسوؤون ولا يفسدون في كل جبل قدسي لأن الأرض تمتلئ من معرفة
الرب كما تغطي المياه البحر.
- 10 ويكون في ذلك اليوم أن أصل يسي القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم
ويكون محله مجدا
- 11 ويكون في ذلك اليوم أن السيد يعيد يده ثانية ليقنتي بقية شعبه التي
بقيت من آشور ومن مصر ومن فتروس ومن كوش ومن عيلام ومن شنعار ومن
حماة ومن جزائر البحر.
- 12 ويرفع راية للأمم ويجمع منفيي إسرائيل ويضم مشتتي يهوذا من أربعة
أطراف الأرض)
اشعيا- الأصحاح الحادي عشر.

پاسخ: پرسش شما در خصوص شاخه‌ای است که در اشعیا آمده است:
اشعیا، باب یازدهم:

1) و نهالی از تنهٔ یسی خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد
شکفت

2 و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و
قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند

3 و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود. او فقط بر وفق مشاهدهٔ
چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق شنیدهٔ گوش‌هایش حکم نمی‌دهد

4 بلکه مسکینان را با عدالت داوری خواهد کرد و در میان بینوایان زمین با
انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق را با
نفس دهانش می‌کشد

5 کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود

- 6 پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهند داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر و پرواری با هم، و طفلی کوچک آنها را خواهد راند
- 7 و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد.
- 8 و طفل شیرخواره، بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته‌شده، دست خود را بر خانه‌ی افعی خواهد گذاشت.
- 9 و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند؛ زیرا زمین از معرفت پروردگار پر می‌شود، همان‌طور که آب، دریا را می‌پوشاند
- 10 و در آن روز ریشه‌ی یسی به‌عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امتهای فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود
- 11 و در آن روز که واقع خواهد گشت، خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا باقیمانده‌ی قوم خویش را که از آشور، مصر، فتروس، حبش، عیلام، شنعار، حمات و از جزیره‌های دریا باقیمانده باشند، باز آورد.
- 12 و به‌جهت امتهای پرچمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهوذا را از چهار گوشه‌ی جهان فراهم خواهد آورد).

تفسیرهم الغصن بانه عیسی (ع) غیر صحیح، والنص یأبی تفسیرهم[[٤٨]] ویناقض عقیدتهم.

ولی اینکه آن شاخه را به عیسی ع تفسیر می‌کنند، صحیح نیست و این متن، تفسیر آنان را برنمی‌تابد [٤٨] و با عقیده‌شان سر ناسازگاری دارد.

فعیسی (ع) بحسب معتقدهم هو الرب المطلق نفسه فكيف يخاف من الرب وتكون لذته في مخافة الرب [[٤٩]]، وربما يعلون هذا [[٥٠]] باللجوء إلى عقيدة

الاقانيم الثلاثة الباطلة والمتناقضة والتي بينت بطلانها بالدليل في كتاب التوحيد ([٥١]).

عیسی ع بر اساس عقیده آنان، همان پروردگار مطلق است؛ پس چگونه او از پروردگار می‌ترسد، در حالی که خوشی او در ترس از پروردگار است؟! [٤٩] شاید با پناه‌آوردن به عقیده اقانیم سه‌گانه باطل و متناقض، دلیلی بیاورند [٥٠] که باطل‌بودن اقانیم سه‌گانه را با دلیل و برهان در کتاب توحید [٥١] بیان کرده‌ام.

وعیسی لم يحکم ولم يقضي بين الناس ([٥٢]) فهو لم يتمكن من إقامة العدل أو إنصاف المظلومين فكيف ينطبق عليه النص أعلاه.

این در حالی است که عیسی ع حکومت نکرد و بین مردم قضاوت ننمود؛ [٥٢] بنابر این ایشان ع امکان برپاداشتن عدالت یا انصاف برای مظلومان و ستمدیدگان را به‌دست نیاورد؛ پس چطور متن بالا بر او منطبق می‌شود؟!

وعیسی (ع) لم يتحقق في زمنه ما يصوره النص من أن الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر ويكون لهذه المعرفة أثر وهو أن الأغنياء يواسون الفقراء وأن القوي يعين الضعيف وأن تخلوا الأرض من الظلم تقريباً.. الخ ([٥٣]).

آنچه این متن به تصویر می‌کشد در زمان عیسی ع محقق نمی‌شود؛ اینکه زمین از شناخت پروردگار پُر می‌شود، همان‌طور که از آب دریاها پر شده است. این شناخت باید تأثیری بر جای بگذارد؛ مانند اینکه ثروتمندان به فقیران کمک می‌کنند، و نیرومند، ضعیف را یاری می‌دهد و زمین تقریباً از ستم خالی می‌شود و... [٥٣]

النص كله تقريباً بعيد كل البعد عن عيسى (ع) وعن دعوته، فهل مثلاً جمع عيسى منفيي إسرائيل (يعقوب عندهم)، وهل ضم مشتتي يهوذا (ابن يعقوب عندهم) من أطراف الأرض، ولو قالوا جمعهم وضمهم بالإيمان به أيضاً لا يصح؛ لأن دعوة عيسى (ع) إلى حين رفعه لم تتجاوز حدود مدن قليلة.

تقريباً تمامی محتوای این متن از عیسی ع و دعوت ایشان بطور کامل به‌دور است. آیا به‌عنوان مثال، عیسی، رانده‌شدگان اسرائیل (از نظر اینان یعقوب) را گرد آورده است؟ و آیا پراکنده‌گان یهودا (از نظر آنها، فرزند یعقوب) را از جای‌جای جهان گرد آورده است؟ اگر بگویند: آنان را گرد آورده و با ایمان به او به آنها پیوند خورده است، این نیز صحیح نیست؛ چرا که دعوت عیسی ع تا هنگام بالا بردن ایشان، از محدوده شهرهای اندکی تجاوز نکرده بود.

بينما نجد النص يقول إن هذا الشخص يضم مشتتي يهوذا من أطراف الأرض أي أن معنى النص أن هذا الشخص يؤمن به في زمن بعثته أناس من كل دول العالم تقريباً، بل ومن الدول النائية عن مكان بعثته بالخصوص (أطراف الأرض) [٥٤].

این در حالی است که متن می‌گوید: این شخص پراکنده‌گان یهودا را از گوشه‌وکنار زمین گرد می‌آورد؛ به‌عبارت دیگر معنای متن چنین است: در زمان برانگیخته‌شدن این شخص، مردم بسیاری تقریباً از تمامی دولتهای عالم و به‌خصوص از سرزمین‌های دوردست نسبت به مکان برانگیخته‌شدن او (یعنی گوشه‌وکنار زمین) به او ایمان می‌آورند. [٥٤]

«ويرفع راية للأمم ويجمع منفيي إسرائيل ويضم مشتتي يهوذا من أربعة أطراف الأرض».

12) و برای اُمّتها پرچمی برافراشته، که راندهندگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشهٔ جهان فراهم خواهد آورد).

و کلمهٔ یهوذا معناها بالعربی (حمد) أو أحمد.

کلمهٔ یهوذا در زبان عربی به معنی «ستایش» یا «ستایش کرد» (حمد، أحمد) است.

جاء في التوراة في سفر التكوين - الأصحاح التاسع والعشرون:
«35 وحبلت أيضاً وولدت ابناً وقالت هذه المرة أحمد الرب. لذلك دعت اسمه يهوذا. ثم توقفت عن الولادة».

در تورات، سفر پیدایش باب بیستونهم آمده است:
(35 و بار دیگر حامله شده، پسری زایید و گفت: این مرتبه پروردگار را حمد می‌گویم. بدین سبب او را یهوذا نام نهاد. سپس از زاییدن باز ایستاد).

و کلمهٔ اسرائیل معناها بالعربی عبد الله [٥٥].

و کلمهٔ «اسرائیل» در عربی به معنی «عبدالله: بندهٔ خدا» است. [٥٥]

فيكون النص: «ويرفع راية للأمم ويجمع منفيي إسرائيل (عبد الله)». «ويضم مشتتي يهوذا (أحمد) من أربعة أطراف الأرض».

در نتیجه معنای این متن چنین می‌شود: (و برای امتها پرچمی برافراشته، که راندهندگان اسرائیل (عبدالله) را جمع خواهد کرد)

و پراکندگان یهوذا (احمد) را از چهار گوشه جهان فراهم خواهد آورد).

والمشتتون الذين يجتمعون كقزع الخريف من أطراف الأرض لنصرة القائم (المهدي الأول أحمد) هم أنصار الإمام المهدي (ع) في آخر الزمان كما هو معلوم من روایات محمد آل محمد (ع) ([٥٦]).

«پراکندگان» کسانی هستند که مانند ابرهای پاییزی از گوشه و کنار زمین برای یاری قائم (مهدی اول، احمد) جمع می‌شوند. اینان همان‌طور که از روایات محمد و آل محمد ع مشخص است انصار امام مهدی ع در آخر الزمان هستند. [٥٦]

[٤٧]- الإشارة هنا إلى سؤال سابق في الجواب المنير للإمام أحمد الحسن (ع)، وكان بخصوص فقرة وردت في زيارة من كتاب المزار لمحمد بن المشهدي: ص 660. وهذا نص السؤال والجواب منه (ع):

[٤٧]- در اینجا به پرسشی از کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه، امام احمد الحسن ع اشاره می‌کنیم، که این پرسش در رابطه با قسمتی از زیارتی بوده که در کتاب مزار محمد بن مشهدی ص ٦٦٠ آمده است. متن این پرسش و پاسخ چنین است:

(السؤال / 218: بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
الإخوة في لجنة الإجابة، أريد جواب السيد أحمد الحسن (ع) على السؤال التالي وإن
كان قد أجابه أو أشار إليه سابقاً في إصداراتكم أرجو التدليل عليه و.. وشكراً.
پرسش ٢١٨: بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
برادران هیئت علمی، پاسخ سید احمد الحسن ع را برای سؤال پیش رو خواستارم و اگر پیشتر، پاسخ
ایشان یا اشاره‌ای از سوی ایشان در انتشارات شما وجود داشته است، به آن اشاره نمایم و... و با
تشکر.

السؤال:

ورد في زيارة أم القائم (عليها السلام): (السلام عليك أيتها المنعوتة في الإنجيل)، أين ورد هذا النعت في الإنجيل؟ والصلاة والسلام على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً ..
وجزاكم الله خير الجزاء.
المرسل: أحمد - العراق

سوال:

در زیارت مادر قائم ع آمده است: «سلام بر تو که در انجیل نعت (به نیکی وصف) شده‌ای.» در کجای انجیل این «نعت: وصف» آمده است؟ و سلام و صلوات بر محمد و آل او، از ائمه و مهديين و سلم تسليماً خداوند شما را نيکوترين پاداشها بدهد!
فرستنده: احمد، عراق

الجواب:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
هذا هو وصف أم القائم (عليها السلام):
«رؤيا يوحنا اللاهوتي: الأصحاح الثاني عشر:
پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
این وصف مادر قائم ع در مکاشفات (رؤیای) یوحنا لاهوتی باب ۱۲ هست:

- (1) وظهرت آية عظيمة في السماء امرأة متسريلة بالشمس والقمر تحت رجليها وعلى رأسها إكليل من اثني عشر كوكباً
- (2) وهي حبلى تصرخ متمخضة ومتوجعة لتلد
- (3) وظهرت آية أخرى في السماء. هو ذا تنين عظيم أحمر له سبعة رؤوس وعشرة قرون وعلى رؤوسه سبعة تيجان
- (4) وذنبه يجر ثلث نجوم السماء فطرحها إلى الأرض. والتنين وقف أمام المرأة العتيدة أن تلد حتى يبتلع ولدها متى ولدت
- (5) فولدت ابناً ذكراً عتيداً أن يرعى جميع الأمم بعصا من حديد. واختطف ولدها إلى الله وإلى عرشه

- 1) و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پاهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است،
- 2 در حالی که آبستن است، از درد زایمان و عذاب زاییدن فریاد برمی‌آورد.
- 3 و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد. اردهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت تاج؛

4 و دُمش ثلث ستارگان آسمان را کشید و آنها را بر زمین ریخت. ازدها روبه‌روی آن زن که می‌زاید ایستاد، تا چون بزاید، فرزند او را ببعد.
5 پس فرزند نرینای را زاید که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او ر بوده شد.

(6) والمرأة هربت إلى البرية حيث لها موضع معد من الله لكي يعولوها هناك ألفا ومئتين وستين يوماً

(7) وحدثت حرب في السماء. ميخائيل وملائكته حاربوا التنين وحارب التنين وملائكته

(8) ولم يقووا فلم يوجد مكانهم بعد ذلك في السماء

(9) فطرح التنين العظيم الحية القديمة المدعو إبليس والشيطان الذي يضل العالم كله طرح إلى الأرض وطرحته معه ملائكته

(10) وسمعت صوتاً عظيماً قائلاً في السماء الآن صار خلاص إلها وقدرته وملكه وسلطان

مسيحه لأنه قد طرح المشتكي على إخوتنا الذي كان يشتكي عليهم أمام إلها نهاراً وليلاً

(11) وهم غلبوه بدم الخروف وبكلمة شهادتهم ولم يحبوا حياتهم حتى الموت

6 و زن به بیابان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی مهیا شده است تا او را مدت هزار و دویست و شصت روز پیروند.

7 و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگان با ازدها جنگ کردند، و ازدها و فرشتگانش جنگ کردند،

8 ولی غلبه نیافتند و بعد از آن، مکان آنها در آسمان یافت نشد.

9 و ازدهای بزرگ، همان مار قدیمی که ابلیس و شیطانی که تمام عالم را گمراه می‌کند، به زمین

افکنده شد و فرشتگانش نیز همراهش افکنده شدند

10 و آوازی بلند در آسمان شنیدم که می‌گوید، اکنون نجات و قوت و سلطنتِ خدای ما و قدرت مسیح

او فرا رسیده است؛ زیرا آن مدعی علیه برادران ما، که شبانه‌روز در حضور خدای ما بر آنان اتهام

می‌زد، به زیر افکنده شد.

11 و ایشان به وساطت خون برّه و کلمه شهادتشان بر او غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند تا

اینکه بمیرند.

(12) من أجل هذا افرحي أيتها السموات والساكنون فيها. ويل لساكني الأرض والبحر لأن

إبليس نزل إليكم وبه غضب عظيم عالماً أن له زماناً قليلاً

(13) ولما رأى التنين أنه طرح إلى الأرض اضطهد المرأة التي ولدت الابن الذكر

(14) فأعطيت المرأة جناحي النسور العظيم لكي تطير إلى البرية إلى موضعها حيث تعال

زمانا وزمانين ونصف زمان من وجه الحية

(15) فألقت الحية من فمها وراء المرأة ماء كنهز لتجعلها تحمل بالنهر

(16) فأعانت الأرض المرأة وفتحت الأرض فمها وابتلعت النهر الذي ألقاه التنين من فمه

(17) فغضب التنين على المرأة وذهب ليصنع حرباً مع باقي نسلها الذين يحفظون وصايا

الله وعندهم «. أحمد الحسن»

انتهی السؤال والجواب من كتاب الجواب المنير للإمام أحمد الحسن (ع).

- 12 از این رو، ای آسمانها و ساکنان آنها شاد باشید؛ وای بر ساکنان زمین و دریا زیرا که ابلیس به نزد شما فرود آمده است، با خشمی عظیم، چون میداند که زمانی اندک دارد.
- 13 و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شده است، بر آن زن که فرزند نرینه را زاییده بود، جفا کرد.
- 14 پس دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان و به مکان خود پرواز کند، جایی که او را از نظر آن مار، یک زمان و دو زمان و نصف زمان نگهداری کنند.
- 15 و مار از دهان خود در عقب زن، آبی چون رود فرو ریخت تا سیل او را فرو گیرد.
- 16 پس زمین، زن را حمایت کرد و دهانش را گشود و آن رود را که اژدها از دهانش ریخت، فرو برد.
- 17 اژدها بر زن غضب نمود، رفت تا با باقیماندگان نسل او بجنگد، کسانی که وصایای خداوند را حفظ می‌کردند و حاملین آن بودند (...).
- احمد الحسن

[۴۸] - لابد من الانتباه إلى أمور:

أولاً: تفسير الغصن بعيسى (ع) غير مستند إلى دليل بما أن النص لم يفسره عيسى (ع) في نفسه ولا ادعى أنه نبوءة تخصه، وبالتالي فهو تفسير علماء غير معصومين لنبوءة المفروض أنها رمز محفوظ لصاحب الرمز ولما يأتي المرموز إليه هو يحتج به.

[۴۸] - در اینجا باید به دو نکته توجه داشته باشیم:

اول: تفسیر شاخه به عیسی ع مستند به هیچ دلیلی نیست؛ زیرا عیسی ع آن را به خودش تفسیر نکرده و نیز ادعا نکرده که این خبر در ارتباط با اوست؛ در نتیجه، این تفسیری از علمای غیرمعصوم، در رابطه با این خبر است؛ در حالی که این خبر نمادی برای صاحب آن نماد است، و زمانی که او بیاید به آن احتجاج می‌کند.

ثانياً: النص فيه ثلاث رموز وهي: "قضييب" و"جذع يسي" و "غصن من أصوله": 1)

ویخرج قضيب من جذع يسي وينبت غصن من أصوله).

دوم: در این متن سه کلمه نمادین دیده می‌شود: «نهال»، «تنه یسی» و «شاخه‌ای از ریشه‌هایش»: 1) و نهالی از تنه یسی خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت).

وكل واحد من هذه الثلاثة رموز مرتبط بالاثنتين ولا يمكن الفصل بينها ولا جعلها رموزاً
لنفس الشخصية،

بل هناك ثلاث شخصيات وأيضاً نحن نعلم يقيناً أن هناك فرق بين أصل الشجرة وجذعها
والأغصان،

فمن يقول إن الغصن هو نفسه القضيب من الجذع فهو قطعاً يجعل النص بلا حكمة
ويحرف المعنى المقصود إذ يلغي الخصوصية بدون دليل مضافاً إلى أن ذكر "الغصن"

وأنه "ينبت" جاء بعد ذكر "القضيب" ووصفه أنه "يخرج": (ويخرج قضيب..... وينبت غصن)!!

هریک از این سه کلمه مرتبط با دو کلمه دیگر است و نمیتوان بین آنها جدایی انداخت و آن را نمادی برای یک شخصیت دانست؛ بلکه در اینجا سه شخصیت وجود دارند. همچنین ما یقین داریم بین ریشه درخت و تنه و شاخه‌های آن تفاوت وجود دارد؛ پس کسی که بگوید شاخه همان نهال روئیده از تنه است، حکمت این سخن را زیر سؤال برده و معنی و مقصود را تحریف می‌کند؛ چرا که ویژگی آن را بدون دلیل کنار می‌گذارد؛ علاوه بر اینکه «شاخه» و «می‌روید» بعد از «نهال» آمده که به «خارج می‌شود» توصیف شده است: «و نهالی خارج می‌شود... و شاخه‌ای می‌روید»!

قال الإمام أحمد الحسن (ع):

امام احمد الحسن ع می‌فرماید:

(... أما يَسَى، وهو في التوراة معروف أنه والد نبي الله داود (ع).

وأم الإمام المهدي(عليها السلام) من ذرية داود (ع).

وقصتها باختصار شديد:

[اما یسی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود ع است و مادر امام مهدی ع از نسل داوود ع است.

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر است:

(إنها أميرة جدها قيصر الروم، رأت في المنام نبي الله عيسى(ع) ووصيه شمعون الصفا

والرسول محمداً، وخطبها الرسول محمد (ص) من عيسى(ع) لولده الإمام الحسن

العسكري (ع)، فقال عيسى(ع) لشمعون الصفا أو سمعان بطرس: قد جاءك شرف عظيم؛

لأنها من ذرية شمعون الصفا (سمعان بطرس) وصي عيسى (ع)، ورأت بعد ذلك رؤيات

كثيرة، وعرضت نفسها للسبي، وحصلت لها معجزات كثيرة حتى وصلت إلى دار الإمام

علي الهادي (ع)، فزوجها من ابنه الإمام الحسن العسكري (ع)، وولدت له الإمام محمد بن

الحسن المهدي (ع).

«او ملکه‌ای بوده که جدش قیصر روم است. او در خواب، عیسی ع و جانشین وی یعنی شمعون صفا، و

محمد ع را می‌بیند و حضرت محمد ع او را از حضرت عیسی ع برای فرزندش امام حسن عسکری ع

خواستگاری می‌کند. عیسی ع به شمعون صفا (سمعان بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیبت شده

است؛ چرا که وی (مادر امام زمان ع) از نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس) است که وصی و

جانشین عیسی ع بود. بعد از این رؤیا، رؤیاهای بسیار دیگری می‌بیند، خودش را اسیر می‌کند و

معجزه‌های زیادی برایش اتفاق می‌افتد تا به خانه امام علی هادی ع می‌رسد و آن حضرت وی را به

همسری فرزندش امام حسن عسکری ع درمی‌آورد و از او امام محمد بن الحسن المهدي ع متولد

می‌شود.»

فالإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري(ع)من ذرية إسرائيل (يعقوب (ع)) من جهة الأم،
ومن ذرية محمد(ص) من جهة الأب، فيصدق عليه أنه قضيب من جذع يسي.
پس امام مهدی، محمد بن الحسن العسكري ع از ناحیه مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب ع) و از
ناحیه پدری از نوادگان محمد ع بهشمار می‌رود. پس اینکه حضرت مهدی ع شاخه‌ای از تنه یسی است،
بر او صدق می‌کند.

كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الاثني عشر أنه غصن يخرج من ذاك القضيب من
جذع يسي؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي (ع)
الإمام أحمد الحسن (ع) - كتاب وصي ورسول الإمام المهدي (ع) في التوراة والإنجيل
والقرآن.

همان‌گونه که این امر بر مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه نیز صدق می‌کند؛ چرا که او نیز شاخه‌ای
است که از شاخه‌ای از تنه یسی بیرون می‌آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی ع است.
(امام احمد الحسن ع - کتاب وصی و فرستاده امام مهدی ع در تورات، انجیل و قرآن)

أما التفسير الذي يقدمه المسيحيون عادة لهذا النص فغير صحيح وسأكتفي بمثالين:
- تفسير القس انطونيوس فكري:

اما تفسیری که بطور معمول مسیحیان در رابطه با این متن ارائه می‌دهند صحیح نیست و من در اینجا
تنها به دو نکته بسنده می‌کنم:
-تفسیر کشیش آنتونیوس فکری:

(.... آیات (1-5) ويخرج قضيب من جذع يسي وينبت غصن من أصوله

.....كعادة إشعيا نجاه بعد أن تكلم عن التهديدات ضد شعبه نجد أنه في (10: 33، 34)
انتقل إلي خراب آشور ويوضح هنا أن هذا رمزا لعمل الله الخلاصى وظهور ربنا يسوع
المسيح. نجاه ينهي الإصحاح العاشر بقطع أغصان الأشرار ويبدأ هنا في (ص) (11)
بخروج قضيب من جذع يسي أي ابن داود. وهذه الآيات واضح أنها السيد المسيح
ولكن اليهود يطبقونها علي حزقيا مع أنه ولد قبل نطق إشعيا بها.

«... آیات (۱-۵) و نهالی از تنه یسی خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت»...

...مشاهده می‌کنیم اشعیا طبق عادت خود بعد از صحبت درباره تهدیدات علیه قوم خود در (۱۰):

(۳۴-۳۳) به ویرانی آشور منتقل می‌شود و در اینجا مشخص می‌کند که این رمزی برای عمل نجات‌بخش
خداوند و ظهور پروردگار ما یسوع (مسیح) است. باب دهم را با سخن از قطع شاخه‌های اشرار پایان
می‌بخشد و باب یازدهم را با خروج نهالی از تنه یسی یعنی پسر داوود آغاز می‌کند. واضح است که
این آیات بر سید مسیح تطبیق می‌کنند، اما یهود آن را بر حزقیا تطبیق می‌دهند؛ در صورتی که او قبل
از اینکه اشعیا این سخنان را بگوید به دنیا آمده است.

من جذع یسی = نسبة السيد المسيح هنا إلي يسي وليس لداود الملك تشير لإتضاعه.
والسيد المسيح بإتضاعه سحق تشامخ الأعداء وكبريائهم الذي صوره في (10:33)
بغصون مرتفعة

قضيبي من جذع یسی = قضيبي أي فرع. فعائلة داود والتي قطعت بموت صدقيا أيام سبي
بابل مشبهة بشجرة قطعت أغصانها ولكن بعد فترة طويلة يخرج من هذه الشجرة غصن
أخضر، هو المسيح ابن داود. وصدقيا كان اخر ملك من نسل داود، حتى ظهر المسيح ابن
داود... القس أنطونيوس فكري - تفسير سفر أشعيا - الأصحاح 11.

از تنه یسی = سيد مسيح در اینجا به یسی نسبت داده شده است و نه به داوود پادشاه که اشاره به
تواضع او دارد. سيد مسيح با تواضع خود تكبر و خودبزرگيینی دشمنان را در هم شكست؛ تكبری که
آن را در (۳۳: ۱۰) به شاخه‌های بلند تشبیه کرده است... نهالی از تنه یسی = نهال یعنی شاخه.
خانواده داوود که با وفات صدقيا در روزهای اسارت بابل نابود شد، به درختی تشبیه شده که شاخه‌های
آن بریده شده است؛ ولی بعد از مدت زیادی شاخه سبزی از این درخت خارج می‌شود که او مسیح
پسر داوود است. صدقيا آخرین پادشاه از نسل داوود بود تا اینکه مسیح پسر داوود ظاهر
شد...» (کشیش آنتونیوس فکری - تفسير سفر اشعيا: باب ۱۱)

- يقول القمص تدرس يعقوب ملطي:
1..... ظهور ابن یسی:

في الأصحاح التاسع تحدث عن المخلص بكونه المولود العجيب: "لأنه يولد لنا ولد...
ويدعى اسمه عجيباً مشيراً إليها قديراً أباً أبدياً" (إش 9: 6)، أما هنا فيؤكد ناسوته بكونه
الملك ابن یسی: "ويخرج قضيبي من جذع یسی وينبت غصن من أصوله" [1]. لم يقل ابن
داود مع أنه شرعاً هو ابن داود، لكنه أراد تقديمه بصورة متواضعة جداً، كقضيبي وغصن
من یسی الذي عاش ومات قليل الشأن. والعجيب أن نسل داود الملك ضعف جداً حتى جاء
يوسف والقديسة مريم فقراء للغاية.

-کشیش تادریس یعقوب ملطی می‌گوید:

«... 1- ظهور پسر یسی:

در باب نهم، از مسیح نجات‌بخش، به‌عنوان مولودی عجیب سخن می‌گوید: «زیرا برای ما فرزندی متولد
خواهد شد... و او عجیب، مشیر، خدای قدیر و پدر سرمدی خوانده می‌شود.» (اشعیا ۹: ۶) اما در
اینجا تأکید بر طبیعت انسانی او به‌عنوان پادشاه پسر یسی دارد: «و نهالی از تنه یسی خارج می‌شود
و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت.» [1]:ن گفته است پسر داوود، با اینکه شرعاً پسر داوود است؛
اما می‌خواهد او را به‌صورت کاملاً متواضعانه به‌عنوان نهالی از یسی که با شأن پایینی زندگی کرد و
وفات یافت ارائه دهد. عجیب است که نسل داوود پادشاه تا قبل از یوسف و مریم قدیس بسیار فقیر
بودند.

بينما يتحدث الوحي في الأصحاح السابق عن آشور - يمثل عدو الكنيسة - كأغصان مرتفعة وقوية (اش 10: 33) يظهر المسيا كقضيبي أو غصن متواضع. أراد أن يسحق الكبرياء محطم البشرية باتضاعه. وكما تقول عنه الكنيسة في جمعة الصلبوت: "أظهر بالضعف (الصليب) ما هو أعظم من القوة" (...). القمص تادرس يعقوب - اشعيا 11 - تفسير سفر أشعيا - المسيا والعصر المسياني.

در حالی که وحی باب قبلی از آشور (بعنوان دشمن کلیسا) بعنوان شاخهای مرتفع و قوی یاد می‌کند (اشعیا ۱۰: ۳۳)، مسیا همانند نهال یا شاخهای متواضع ظهور می‌کند. او می‌خواهد تکبری را که نابودگر بشریت است با تواضعش خرد کند. همان‌طور که کلیسا در «جمعه صلبوت» (جمعه‌ای که «شبیبه» به صلیب رفت - مترجم) درباره‌ی او چنین می‌گوید: «با ضعف (صلیب) ظاهر شد، چیزی که از قوت بزرگتر است»...». (کشیش تادریس یعقوب، اشعیا ۱۱، تفسیر سفر اشعیا، مسیا و عصر مسیانی)

يعني تفسريهم يتجاهل مسألة القضيب والغصن الذي ينبت من أصول ذلك الجذع، وعلى أي حال فلو تنزلنا وقبلنا بقولهم في هذا المقام فلا أقل أنه لا يوجد مانع أو شيء يحصر تحقق نص في أزمان مختلفة ومصاديق مختلفة وقد تبين أن المهدي الأول المعزي مصداق واضح وجلي لهذا الوصف، بل وسيأتي ما يحصر النص فيه دون عيسى (ع) مضافاً إلى أن عيسى (ع) لم يحتج بهذا النص ولا ادعاه في نفسه.

تفسیر آنان با نهال و شاخهای که از ریشه‌های آن تنه می‌روید بیگانه است. در هر صورت اگر کوتاه آمده، سخن آنها را در این جایگاه بپذیریم، مانعی ندارد که تحقق آن در زمانهای مختلف با مصداقهای مختلفی باشد و به‌وضوح مشخص است که مهدی اول و تسلی‌دهنده، مصداق بارز و آشکاری برای این خصوصیت است و در مباحث آتی خواهد آمد که این متن منحصر در اوست، نه عیسی ع؛ علاوه بر اینکه عیسی ع به این متن احتجاج نکرده، و آنرا برای خود ادعا نکرده است.

[۴۹]- (2) ويحل عليه روح المعرفة ومخافة الرب 3 ولذته تكون في مخافة الرب.....) اشعيا 11.

[۴۹]- (2) و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند 3 و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود... (اشعیا 11)

[۵۰]- لنقف مع ما تقوله التفاسير المعتمدة في هذا الأمر. يقول القس انطونيوس فكري:

(لذته تكون في مخافة الرب = الناس لذتهم في إشباع شهواتهم أما هو فقال عن نفسه من منكم يبكتني علي خطية. هي ليست مخافة الرعب ولكن مخافة من لا يريد أن يجرح مشاعر أبيه، وهذا ما يعطيه لنا الروح القدس).

[۵۰]- بیاپید به تفسیرهای قابل اعتماد در این خصوص نگاهى بیندازیم:

کشیش آنتونیوس فکری می‌گوید:

«خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود = خوشی مردم در اشباع شهوات است؛ اما او درباره خود می‌گوید: کدامیک از شما مرا به‌خاطر خطایی سرزنش می‌کند. این ترس در اثر رعب و وحشت نیست، بلکه ترس کسی است که نمی‌خواهد پدرش را آزرده‌خاطر کند و این چیزی است که روح القدس به ما عطا می‌کند.»

وللنقل أيضاً كلام للقمص تدرس يعقوب ملطي يصرح بلجؤئه إلى الاقانيم بصورة أوضح:

- القمص تدرس يعقوب ملطي فيقول:

(2). المخلص وروح الرب: "ويحل عليه روح الرب، روح الحكمة والفهم، روح المشورة والقوة، روح المعرفة ومخافة الرب" [2]. إذ جاء السيد المسيح ممثلاً للبشرية حل عليه الروح القدس الذي ليس بغريب عنه، لأنه روحه. حلول الروح القدس على المسيح يختلف عن حلوله علينا؛ بالنسبة له حلول أقنومي، واحد معه في ذات الجوهر مع الآب، حلول بلا حدود.

سخن کشیش تادریس یعقوب ملطى را نیز نقل می‌کنیم که به‌وضوح به اقانیم سه‌گانه پناه می‌برد؛ او می‌گوید:

«2- رهایی‌دهنده و روح خداوند: «و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند» [2]. به این دلیل که سید مسیح به‌عنوان تمثیلی برای بشریت آمد، روح‌القدس که از او بیگانه نیست بر او قرار گرفت، زیرا روح اوست. حلول و قرار گرفتن روح القدس بر مسیح با قرار گرفتن او بر ما متفاوت است. در باره او قرار گرفتن، از نوع اقنومی است. او در ذات جوهر با پدر، یگانه است. قرار گرفتن بدون هیچ حد و مرزی...»

كلمة الله هو الحكمة عينها والفهم والقوة ... فحلول الروح القدس ليس حلولاً زمنياً بل هو اتحاد أزلي بين الأقانيم الثلاثة.

بالتجسد الإلهي قبل ربنا يسوع ظهور الروح القدس حالاً عليه لكي يهبنا نحن فيه، كأعضاء جسده، عطية الروح القدس واهب الحكمة والفهم والمشورة والقوة والمعرفة ومخافة الرب....

كلمة خداوند همان حکمت، فهم و قوت است... و قرار گرفتن روح‌القدس، قرار گرفتن از نظر زمانی نیست، بلکه بین اقانیم سه‌گانه اتحادی ازلی وجود دارد.

پروردگار ما یسوع با ظهور جسمانی خود، ظهور روح القدس بر خودش را پذیرفت، تا آنچه را که در آن هستیم به ما عطا کند؛ همانند اعضای بدنش. ارمغان روح القدس، بخشندۀ حکمت، فهم، مشورت، قوت، معرفت و ترس از خداوند...

..... يقول "لذته His breath تكون في مخافة الرب" [3]. حاسة الشم هي أسرع حاسة في حياة الإنسان، يلزم أن تمتص مع بقية الحواس بالمخافة الإلهية. هنا يجب أن نميز بين ثلاثة أنواع من الخوف: خوف العبيد، خوف الأجراء، وخوف البنين. فالعبيد يخافون سادتهم لئلا يقتلوهم، والأجراء يخافون العاملين لديهم لئلا يحرموهم الأجر أو المكافأة، أما الأبناء فيخافون لئلا تجرح مشاعر آبائهم. هذا الخوف السامي الذي يهبه روح الرب لنا حتى نهاب الله ليس خشية العقوبة ولا الحرمان من المكافأة وإنما لأننا أبناء لا نريد أن نجرح مشاعر محبته).

... وی می‌گوید: «خوشی او (His breath) در ترس از پروردگار خواهد بود» [3]. حس بویایی از سریعترین حواس در زندگی انسان است و لازم است همراه بقیه حواس با ترس الهی خالص شود. در اینجا لازم است بین سه نوع ترس فرق گذاشته شود: ترس بندها، ترس کارگران و ترس فرزندان. بندها از اینکه مولایشان آنها را بکشند ترس دارند و کارگران از این می‌ترسند که کارفرمایشان مزد آنها را ندهد؛ اما ترس فرزندان از این است که مبادا پدران خود را آزرده‌خاطر کنند. روح خداوند این ترس بلندمرتبه را به ما می‌بخشد تا از خدا بترسیم. این ترس، عقوبت یا محرومیت از دست‌مزد نیست؛ بلکه تنها به این دلیل است که ما فرزند هستیم و نمی‌خواهیم احساسات محبت‌آمیز او را جریح‌دار کنیم.»

- أقول:

أولاً:

لو قلنا إن المخافة هي مراعاة عدم جرح مشاعر الرب فهذا - مضافاً إلى أنه يستلزم الجهل بإرادة الله أي نقضاً للآلوهية المطلقة التي يدعيها المسيحيون في عيسى (ع) - يعني وجود احتمال وإمكان صدور ما يخالف إرادة الله من هذا الشخص وإلا فلا معنى لجرح المشاعر إن لم يكن تمايز وتعارض واختلاف! وإرادة الله حق ومخالفتها باطل ونقص وظلمة می‌گویم:

أول:

اگر بگوییم این ترس همان پرهیز از جریح‌دار کردن احساسات خداوند است، این موضوع علاوه بر اینکه مستلزم جهل به اراده خداوند است یعنی ناقض الوهیت مطلق است که مسیحیان درباره عیسی ع ادعا می‌کنند این احتمال را عنوان می‌کند که کاری که مخالف اراده خداوند است از این شخص سر بزند؛ در غیر این صورت اگر تمايز، تعارض و اختلافی نباشد، جریح‌دار کردن احساسات معنایی نخواهد داشت! اراده خداوند حق بوده، و مخالفت با آن معادل باطل، نقص و ظلمت است.

ثانياً:

اللاهوت المطلق سبحانه وتعالى ليس له مشاعر كمشاعر الخلق إنما جعل أشياء سبباً لاستحقاق رضاه ورحمته، وأخرى سبباً لغضبه وسخطه، والمخافة تكون من أولياء الله في مخالفة إرادته المرضية سبحانه وتعالى وهذا هو المقصود.

دوم:

خداوند سبحان و متعال لاهوت مطلق است و همانند مخلوقات دارای عواطف نیست و تنها به این صورت است که چیزهایی را وسیله استحقاق رضا و رحمت خود، و چیزهایی را وسیله خشم و غضب خود قرار داده است و این اولیای خداوند هستند که از مخالفت با اراده مورد رضای او ترس دارند و مقصود ما نیز همین است.

ثالثاً:

من لا يريد جرح مشاعر شخص لا يصدق عليه أنه يخافه، بل هو عادة يكون إما مساوي لذلك الشخص أو فوقه ويقال إنه يخاف عليه أو يخاف على مشاعره، وهذا كله بعيد عن معنى كلمة "روح مخافة الرب"، وأيضاً عن معنى "الذته في مخافة الرب"، فالنص لا يقبل هذا التأويل البعيد عن الصواب ولا يبقى إلا مسألة المساواة والتفوق ولا أحد يقول بأفضلية الابن فلم يبقى إلا المساواة وهو ما بين بطلانه الإمام أحمد الحسن (ع) في كتاب التوحيد والذي نقلنا بعضاً منه في الملحق (2).

سوم:

بر کسی که نمیخواهد احساسات شخص دیگری را جریحدار کند، این توصیف که «از او ترسیده است» اطلاق نمی‌شود؛ بلکه بطور معمول، چنین شخصی مساوی با آن شخص یا بالاتر از آن است، و گفته می‌شود او به خاطر وی یا به خاطر احساسات وی می‌ترسد و همه اینها از عبارت «روح ترس از خداوند» و نیز «خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود» بعبر است و متن مدنظر، این تأویل ناصحیح را بر نمی‌تابد؛ بنابر این چیزی باقی نمی‌ماند مگر تساوی و برتر بودن؛ و هیچکس قائل به برتر بودن پسر نیست؛ پس فقط تساوی باقی می‌ماند و این نکته را امام احمد الحسن ع در کتاب توحید تبیین فرموده است و ما نیز قسمتی از آن را در پیوست سه نقل خواهیم نمود.

[۵۱]- انظر الملحق (۲).

[۵۱]-مراجعة کنید به پیوست ۲.

[۵۲]- معلوم أن عيسى (ع) لم يتمكن من الحكم ومع ذلك نجد علماء الكنيسة يحاولون أن يعطوا تأويلات بعيدة عن العقل وتأباها النصوص. يقول القمص تدرس يعقوب ملطي مثلاً:

[۵۲]- واضح است عیسی ع نتوانست حکومت کند و با این حال می‌بینیم علمای کلیسا تلاش دارند تأویل‌هایی ارائه دهند که به‌طور از عقل است، در حالی که متون از آنها ابا دارند! به‌عنوان نمونه کشیش تادریس ملطی چنین می‌گوید:

(.....) "لا يقضي بحسب نظر عينيه، إنما حسب الأعمال الداخلية بكونه فاحص القلوب والعارف بالأفكار والنيات. يأخذ السيد المسيح موقفاً مضاداً لما حدث في أيام إشعيا إذ كان القضاة يحكمون حسب الوجوه. هذه الضربة "المحابة" كثيراً ما تصيب الملتزمين بمسئوليات قيادية، وقد وقف الرب حازماً ضد هذا الوباء، فكان يوبخ القيادات الدينية التي أُصيبت بالمحابة والرياء مثل الفريسيين والصدوقيين والكتبة، بينما كان يدعو الأطفال إليه بلطف ويترفق بالخطاة والعشارين. ج. رفض الوشائيات البشرية: "لا يحكم بحسب سمع أذنيه". د. اهتمامه بالمساكين والبائسين والمظلومين.....".

«...تنها بر وفق دیدگانش قضاوت نمی‌کند؛ بلکه چون جستجوگر قلبها و دانا به افکار و نيات بوده، بر اساس اعمال باطنی به همان صورتی که هست، حسابرسی می‌کند. سید مسیح موضعی کاملاً متضاد با آنچه در زمان اشعیا جریان داشت اتخاذ می‌کند؛ و در زمان اشعیا قضات بر اساس قرائن قضاوت می‌کردند. این طعنه (جانبدارانه بودن) به بسیاری از کسانی که به مسئولیت‌های رهبری متعهد هستند وارد می‌شود، و پروردگار با شدت در برابر این بیماری همه‌گیر ایستاده است. ایشان، رهبران دینی را که به جانبداری و ریاکاری دچار بودند توبیخ می‌نمود؛ مانند فريسيان، صدوقيان و کاتبان. این در حالی است که کودکان را با لطف، به‌سوی خود دعوت می‌کرد و با افراد خطاکار و باجگیر، مهربانی می‌نمود.

ج. بدگویی و سخن‌چینی‌های بشری را کنار زد: «تنها بر وفق شنیده گوشش قضاوت نمی‌کند.»
د. اهتمام او در مساكين، بینوایان و مظلومین است...»

أقول:

إن النص واضح في أن الشخص الموصوف سيحكم ويقضي بين الناس والحكم والقضاء هو إنفاذ التشريع وليس فقط توبيخ القضاة والحكام فهذا لا يسمى قضاءً ولا حكماً إنما يكون تبكيتاً ونصحاء وأمرًا بالمعروف، ولكن أبداً لا يمكن أن يطلق عليه قضاءً أو حكماً. می‌گویم:

واضح است که شخص توصیف‌شده در این متن، در آینده خواهد آمد و بین مردم حکومت و قضاوت می‌کند که به‌معنای جاری‌کردن شریعت است؛ و توبیخ قاضیان و حاکمان، قضاوت و حکومت نامیده نمی‌شود و تنها سرزنش، نصیحت و امر به‌معروف محسوب می‌شود و بهیچ‌وجه قضاوت و حکومت بر آن اطلاق نمی‌شود.

أما قول القمص أنه لا يفعل كما كان يفعل القضاة في زمن اشعيا ففيه أن القضاة منهم غير المنصبين من الله ومنهم المنصبون منه سبحانه كالذين كانوا بين موسى (ع) إلى زمن الملوك مثل صموئيل (ع)، وبعد ذلك داوود (ع) وسليمان (ع) وغيرهم، فكان المحقون منهم يوبخون ويعظون أيضاً إضافة إلى قضاءهم وحكمهم، ومنهم من كانت له السلطة لينفذ الحكم ومنهم من كان يقضي للمؤمنين دون أن تكون له السلطة أن ينفذ الحكم، أما عيسى (ع) فلم ينقل عنه أمر كهذا بل هو (ع) نظراً لصعوبة الظروف المحيطة به ورسالته لم يتسنى له أن يحكم.

اما اين سخن کشيش مذکور که «کاری را که قاضیان در زمان اشعيا انجام می‌دادند او انجام نمی‌دهد» قابل بحث و بررسی است؛ اینکه عده‌ای از قاضیان، منصوب شده از سوی خدا نیستند و عده‌ای منصوب از سوی خدا هستند؛ مانند کسانی که از زمان موسی ع تا زمان پادشاهانی مثل سموئیل ع و بعد از او داوود ع و سلیمان ع و دیگران بودند. کسانی که بر حق بودند علاوه بر قضاوت و حکم کردن، توبیخ و موعظه نیز می‌کردند، و بعضی از آنان از توانایی اجرای حکم نیز برخوردار بودند؛ ولی بعضی دیگر، برای مؤمنان قضاوت می‌کردند، اما توانایی اجرای حکم را نداشتند. اما برای عیسی ع چنین چیزی نقل نشده است، و او بهسبب دشواری‌هایی که او و رسالتش را در بر گرفته بود، امکان حکم کردن برایش فراهم نشد.

أما "رفض الوشایات البشرية" فهو منهج والكلام في الحكم وليس في طريقته، وبالتالي فهذا لا ينفع القس ولا من يقول بمثل تأويله، فعيسى (ع) لم يحكم ولم يقض بين الناس ولا يمكن أن يكون مصداقاً للنص !!

اما «کنارزدن بدگویی و سخن‌چینی‌های بشری» یک راه و روش است؛ در حالی که روی سخن در اینجا در رابطه با حکم کردن است، نه طریقت آن؛ بنابر این چنین سخنی برای کشیش مذکور و کسی که همانند وی تأویل می‌کند، سودی ندارد. عیسی ع بین مردم حکومت و قضاوت نکرد و ممکن نیست مصداق این متن باشد!

[۵۳]- هنا يبين الإمام (ع) أولاً أمر مهم، وهو أن العدل والإنصاف للمساكين سببه امتلاء الأرض بمعرفة الرب كما توضحه لام التعليل الداخلة على (أن الأرض تمتلئ من معرفة الرب) في النص أي أن المقصود من هذه الأوصاف هو شخص ينشر العلم والحكمة أثناء رسالته، وعيسى (ع) لم يتسنى له ذلك في زمانه والنص مقيد بـ (في ذلك اليوم) والمسيحيون يقرون هذا الأمر ويقولون إن تحققه إنما هو في الكنيسة وفي المستقبل.

[۵۳]- در اینجا امام ع ابتدا به این موضوع اشاره می‌نماید که عدل و انصاف در حق مسکینان در اثر پُرشدن زمین از شناخت و معرفت خداوند است؛ همان‌گونه که لام تعلیل وارد شده در متن «أن الأرض تمتلئ من معرفة الرب: زمین از شناخت پروردگار پر می‌شود» بهمین معناست و مقصود از این

ویژگی‌ها شخصی است که علم و حکمت را در حین رسالت خود منتشر می‌کند، و چنین زمینهای در زمان عیسی ع فراهم نشد و متن موجود مقید به «در آن روز» است. مسیحیان به این نکته اقرار دارند و می‌گویند تحقق آن در کلیسا و در آینده خواهد بود.

يقول القس أنطونيوس فكري:

(الأرض تمتلئ من معرفة الرب = ليست المعرفة الفلسفية بل معرفة روحية إختبارية. كما تعطي المياه البحر = نبوة عن إمتداد الكرازة وعمل الروح القدس.

کشیش آنتونیوس فکری می‌گوید: «زمین از شناخت پروردگار پر می‌شود: منظور شناخت فلسفی نیست بلکه شناخت روحی و حقیقی است. همان‌گونه که دریا از آب پر می‌شود: اخبار حاکی از ادامه داشتن پند و اندرز مبتنی بر حقایق دین و عمل روح القدس است.

فيسكن = حرف الفاء يعني ارتباط ما هو ات بما جاء قبله. والآيات (1 - 5) السابقة تتكلم عن ميلاد المسيح وعمله الخلاصي، بل وعمل الروح القدس مع الكنيسة، والذي حل علي المسيح لحساب الكنيسة. ولذلك حل علي الكنيسة بعد ذلك. وبالتالي فلا معني لما يقوله الالفيون الذين يؤمنون بأن المسيح سيأتي ثانية علي الارض ليحكم فترة 1000 سنة وفيها سيقيد الشيطان ويسود العالم السلام فيسكن الذئب مع الخروف الخ. فهذه التشبيهات رمزية وهي تشير للسلام الذي يسود قلوب المؤمنين والذي اتي به المسيح ملك السلام. وهذا السلام ليس كما يعطي العالم (يو 14: 27).

فيسكن... (پس سکونت می‌کند)... حرف «ف» به‌معنای ارتباط آنچه رخ می‌دهد به قبل از آن است، و آیات «۱-۵» از تولد مسیح و کار نجات‌بخش او سخن می‌گویند و حتی به کار روح القدس همراه کلیسا اشاره دارد؛ کاری که طبق نظر کلیسا بر عهدۀ مسیح، و به همین دلیل بعد از آن بر عهدۀ کلیسا قرار گرفت. بنابراین آنچه «الفیون» به آن معتقدند نیز بی‌معناست؛ آنها معتقدند مسیح به زمین بازمی‌گردد تا هزار سال حکومت کند و در این مدت شیطان به‌بند کشیده می‌شود و صلح و سلامتی بر جهان آقایی می‌کند؛ در نتیجه گرگ با گوسفند سکونت می‌کند و... این تشبیهها نمادین هستند و اشاره به سلامتی و صفایی دارند که بر قلبهای مؤمنان آقایی می‌کند؛ مسیح پادشاه صلح بوده، و سلامتی و صلحی که وی با خود آورد همانند سلامتی و صلحی که جهان اعطا می‌کند نیست (یوحنا ۲۷: ۱۴).

آية (10) يكون في ذلك اليوم أن أصل يسي القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم ويكون محله مجدا.

آیه ۱۰: (و در آن روز ریشه یسی به‌عنوان پرچمی برای مردمان برپا خواهد شد و امتها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود).

راية للشعوب = أقتبس بولس الرسول هذه الآية عندما تحدث عن تمجيد الأمم لله من أجل رحمته عليهم.

پرچمی برای مردمان: زمانی که مسیح ع از تمجید خداوند توسط امتهای که به خاطر رحمت او بر آنها بود سخن می‌گفت، پولس رسول این آیه را اقتباس کرد.

(رو 12:6، 15) ولقد صار السيد نفسه راية حينما علق على الصليب باسطاً يديه ليضم العالم كله في أحضانه. وستجتمع حوله كل الشعوب ويكون في وسطهم.
(رومان ۱۵: ۶، ۱۲) سید آنگاه که بر صلیب کشیده شد خودش پرچمی گردید، در حالی که دستان خود را باز کرده بود تا همه جهان را در آغوش خود بگیرد. و همه اقوام گرداگرد او جمع خواهند شد و او در میان آنان خواهد بود...

...آیه (11) ويكون في ذلك اليوم أن السيد يعيد يده ثانية ليقتني بقية شعبه التي بقيت من آشور ومن مصر ومن فتروس ومن كوش ومن عيلام ومن شنعار ومن حماة ومن جزائر البحر.

... آیه ۱۱: (و در آن روز که واقع خواهد گشت خداوند بار دیگر دست خود را دراز می‌کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور، مصر، فتروس، حبش، عیلام، شنعار، حماه و از جزیره‌های دریا باقی‌مانده باشند، باز آورد).

ويكون في ذلك اليوم = أي العصر الإنجيلي. (وهذا حدث يوم العنصرة ثم من خلال كرازة الرسل ثم عبر الكنيسة، ثم سيحدث أيضاً بإيمان اليهود في نهاية الأيام. وفتروس هي مصر العليا وكوش هي الحبشة وعيلام هي الفرس أو إيران وشنعار هي بابل (كل ذلك رمز للأمم التي ستدخل للمسيحية).

و در آن روز که واقع خواهد گشت = یعنی عصر انجیلی... «این واقعه در روز عنصره* واقع شد و سپس از طریق پند و اندرزهای رسولان و از طریق کلیسا و نیز با ایمان آوردن یهود در پایان روزها، اتفاق خواهد افتاد. فتروس همان مصر شمالی، کوش همان حبشه، عیلام همان فارس یا ایران و شنعار همان بابل است (همه اینها اشاره به امتهایی دارد که وارد مسیحیت خواهند شد).

*عید عنصره: یادبود حلول روح‌القدس بر شاگردان مسیح است که به فاصله پنج‌روز پس از عید فصح قرار دارد. (مترجم)

آیه (12) ويرفع راية للأمم ويجمع منقبي إسرائيل ويضم مشتتي يهوذا من أربعة أطراف الأرض.

الكنيسة ستضم الجميع الأمم مع اليهود الذين في الشتات)

القس انطونيوس فكري - تفسير العهد القديم - اشعيا 11.

آیه ۱۲: (و برای امتهای پرچمی برافراشته، که رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهود را از چهار گوشه جهان فراهم خواهد آورد). کلیسا همه امتهای و یهود را که پراکنده هستند گرد هم می‌آورد.»

إذاً عدم تحقق النص في زمن عيسى (ع) مفروغ منه !!
وسواء من المسيحيين من يقولون بتحقيقه في المجيء الثاني أو الذين يقولون بتحقيقه من خلال الكنيسة في المستقبل يعترفون أن النبوءة لم تتم في عيسى (ع) مع أن النص يصف أموراً ويحددها بـ "ذلك اليوم" أي في زمن بعثة ذلك الشخص، فتكون بذلك كل التفسير غير صحيحة.

تحققنیافتن این متن در زمان عیسی ع مسلم و قطعی است!
جدای از اینکه عدای از مسیحیان می‌گویند این رویداد در ظهور دوباره مسیح واقع خواهد شد و عدای می‌گویند از طریق کلیسا در زمان آینده محقق می‌شود، این نکته مشترک است که همگی آنان اعتراف دارند این رویداد، در زمان عیسی ع واقع نشده است؛ با وجود اینکه این متن اموری را توصیف می‌کند که مختص «آن روز» هستند یعنی «زمان مبعوث شدن آن شخص»؛ پس در نتیجه همه این تفسیرها نادرست هستند.

وما يهمنا في المقام هو القدر المتيقن وهو المشترك بين الأقوال أي أن تلك الصفات المذكورة تبقى نبوءات ونصوص لزمن متأخر عن رسالة عيسى (ع) بل وبعد رفعه بزمن طويل.
آنچه برای ما اهمیت دارد وجه مشترک این گفته‌هاست؛ اینکه خصوصیات گفته‌شده، خبرها و متونی هستند که متعلق به زمانی بعد از رسالت عیسی ع و حتی مدت‌زمان طولانی بعد از مرفوع شدن او هستند.

[۵۴]- وقد تحقق هذا الأمر على أرض الواقع، فالمؤمنون بالإمام أحمد الحسن (ع) يتوزعون على كل أطراف الأرض من استراليا وآسيا والعراق والجزيرة العربية ومصر وإيران وأمريكا وكندا واروبا والصين والميكسيك والمغرب العربي و... ومنهم من كان سنياً أو شيعياً، ومنهم من كان مسيحياً، ومنهم من كان يهودياً، فالحمد لله رب العالمين.
[۵۴]- امروز این رویداد اتفاق افتاده است و مؤمنان به امام احمد الحسن ع در همه‌جای زمین پراکنده هستند؛ استرالیا، آسیا، عراق، جزیره‌العرب، مصر، ایران، امریکا، کانادا، اروپا، چین، مکزیک، مغرب عربی و... و در میان آنان سنی، شیعه، مسیحی و یهودی وجود دارد؛ (سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است).

ومشتتي يهوذا (أحمد) هم أنصار الإمام المهدي (ع) كما في رؤيا يوحنا:
(ثم نظرت وإذا خروف واقف على جبل صهيون ومعه مائة وأربعة وأربعون ألفاً لهم اسم أبيه مكتوبا على جباههم...) رؤيا يوحنا - الأصحاح 14.

پراکنندگان «یهودا» (احمد) همان انصار امام مهدی ع هستند؛ چنانکه در مکاشفه یوحنا آمده است: (و دیدم که برّه بر کوه صهیون ایستاده است و هزار نفر که اسم پدر او را بر پیشانی خود نوشته دارند، همراه او هستند...). (مکاشفه یوحنا - اصحاح ۱۴)

والمهدي الأول اليماني أحمد هو الذي يجمع أنصار أبيه الإمام المهدي (ع).
(راجع رسالة الهداية للإمام أحمد الحسن (ع)).

مهدی اول یمانی، احمد همان کسی است که انصار پدرش امام مهدی ع را جمع می‌کند.
(به کتاب «نامه هدایت» نوشته امام احمد الحسن ع مراجعه نمایید)

[۵۵] - روى العلامة المجلسي نقلاً عن تفسير العياشي:

- عن هارون بن محمد الحلبي، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله: ("يا بني إسرائيل" قال: هم نحن خاصة).

[۵۵] - علامه مجلسی از تفسیر عیاشی چنین نقل می‌کند:

- هارون بن محمد حلبی می‌گوید از امام صادق ع از این سخن خداوند: (ای بنی اسرائیل) پرسیدم؛ فرمود: «منظور از آن بطور خاص ما هستیم.»

- عن محمد بن علي، عن أبي عبد الله (ع)، قال: سألته عن قوله: ("يا بني إسرائيل) قال: (هي خاصة بأل محمد).

- محمد بن علی می‌گوید از امام صادق ع از سخن خداوند: (ای بنی اسرائیل) پرسیدم؛ فرمود: «اختصاص به آل محمد دارد.»

- عن أبي داود، عن سمع رسول الله (ص) يقول:

(أنا عبد الله اسمي أحمد، وأنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني، وما عناه فقد عناني)

تفسیر العیاشی - محمد بن مسعود العیاشی - ج 1 - ص 44.

-ابو داود از کسی که از رسول خدا شنیده است چنین نقل می‌کند که آن حضرت ع فرموده است: «من عبدالله (بنده خدا) هستم و نامم احمد است. من بنده خدا هستم و اسمم اسرائیل است؛ و هرچه به او امر فرمود مرا نیز امر کرد و هر چه برای او بیان کرده برای من نیز بیان کرده است.»
(تفسیر عیاشی- محمد بن مسعود عیاشی: ج ۱ ص ۴۴)

[۵۶]- الروایات كثيرة جداً بهذا الخصوص، وهذا طرف منها على سبيل المثال لا الاستقصاء:

[۵۶] - روایات در این خصوص واقعاً بسیار هستند. تعدادی از آنها را بعنوان نمونه بیان می‌کنیم:

- روى الشيخ الكليني: عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن إسماعيل بن جابر، عن أبي خالد، عن أبي جعفر (ع) في قول الله عز وجل: ("فاستبقوا الخيرات أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً"، قال: الخيرات الولاية، وقوله تبارك وتعالى: "أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً" يعني أصحاب القائم الثلاثة والبضعة عشر رجلاً، قال: وهم والله الأمة المعدودة، قال: يجتمعون والله في ساعة واحدة قرع كقرع الخريف) الكافي - الشيخ الكليني: ج 8 ص 313.

- شيخ كليني از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی‌عمیر از منصور بن یونس از اسماعیل بن جابر از ابی‌خالد از امام باقر ع در خصوص سخن خداوند عزوجل: (پس به‌سوی نیکی‌ها پیشی جوید. هر جا که باشید خدا همه شما را می‌آورد) سؤال شد، ایشان ع فرمود: «نیکی‌ها، ولایت است، و سخن خداوند تبارک‌وتعالی: (هر جا که باشید خدا همه شما را می‌آورد) یعنی اصحاب قائم که سی‌صدوده تا و اندی هستند.» فرمود: «به خدا سوگند! آنان همان امت وعده داده‌شده هستند.» فرمود: «به خدا قسم! در یک ساعت و مانند ابرهای پراکنده پاییزی جمع می‌شوند.» (کافی - شیخ کلینی: ج ۸ ص ۳۱۳)

- روى السيد ابن طاووس: (قال: حدثنا علي بن الحسن الذهلي، قال: حدثنا أبو معاوية عن الأعمش عن إبراهيم التيمي عن الحارث بن سويد عن علي بن أبي طالب، قال: ينقص الإسلام حتى لا يقال: لا إله إلا الله، فإذا فعل ذلك ضرب يعسوب الدين بذنبه، فإذا فعل ذلك بعث الله قوماً يجتمعون كما تجتمع قرع الخريف، والله إنني لأعرف اسم أميرهم ومناخ ركابهم) الملاحم والفتن - السيد ابن طاووس: ص 340.

- سيد بن طاووس از علی بن حسن ذهلی از ابومعاویه از اعمش از ابراهیم تیمی از حارث بن سويد از علی بن ابوطالب نقل می‌کند که فرمود: «اسلام دچار نقصان می‌شود تا جایی که «لا اله الا الله» گفته نمی‌شود. هرگاه چنین شد پیشوای دین، انصار خود را فرامی‌خواند. پس خداوند قومی را برمی‌انگیزد که مانند ابرهای پراکنده پاییزی جمع می‌شوند. به خدا قسم من نام فرمانده و منزلگاه‌های آنها را می‌دانم.» (ملاحم و فتن - سيد بن طاووس: ص ۳۴۰)

- العلامة المجلسي: عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر (ع)، يقول: (... ويخرج المهدي منها على سنة موسى خائفاً يترقب حتى يقدم مكة، ويقبل الجيش حتى إذا نزلوا البيداء وهو جيش الهملات خسف بهم، فلا يفلت منهم إلا مخبر، فيقوم القائم بين الركن والمقام فيصلي وينصرف، ومعه وزيره.

فيقول: يا أيها الناس، إنا نستنصر الله على من ظلمنا وسلب حقنا، من يحاجنا في الله فأنا أولى بالله،

ومن يحاجنا في آدم فأنا أولى الناس بآدم

علامه مجلسی از جابر جعفی از امام باقر ع نقل می‌کند که آن حضرت ع فرمود: «... مهدی همانند موسی (که از مصر گریخت) هراسان و نگران از مدینه بیرون می‌رود تا به مکه می‌رسد. سپاه (سفیانی) هم که لشکر هلاکت است در پی او می‌روند. چون در بیداء منزل کنند، به زمین فرو روند و جز یک تن که خبرشان را می‌برد هیچ‌کدام جان سالم به در نمی‌برند. پس قائم بین رکن و مقام به‌پا می‌خیزد و نماز می‌گزارد و در حالی که وزیرش همراهش است روی برمی‌گرداند و می‌گوید: ای مردم! ما خداوند را به یاری می‌طلبیم، علیه هر کسی که به ما ظلم کرده و حقان را ربوده است. هرکه درباره خداوند با ما محاجّه دارد، پس [بداند که] من نسبت به خداوند سزاوارترین هستم و هرکه درباره آدم با ما محاجّه دارد، پس من از همه به آدم نزدیکترم...

ويجئ والله ثلاث مائة وبضعة عشر رجلاً فيهم خمسون امرأة يجتمعون بمكة علي غير ميعاد قزعا كقزع الخريف، يتبع بعضهم بعضاً، وهي الآية التي قال الله: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾، فيقول رجل من آل محمد (ع) وهي القرية الظلمة أهلها.

به خدا سوگند، سی‌صد و چند تن که ۵۰ زن نیز در میان آنها هستند خواهند آمد؛ بی‌وعدۀ قبلی و همچون ابرهای پاییزی پدیداری در مکه جمع می‌شوند و این همان آیه‌ای است که حق تعالی فرماید: (هرکجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد و خدا بر هرچیز تواناست). پس مردی از آل محمد می‌گوید: این است همان قریه‌ای که اهلش ستم پیشه‌اند.

ثم يخرج من مكة هو ومن معه الثلاثمائة وبضعة عشر يباعدونه بين الركن والمقام، معه عهد نبي الله (ص) ورايته وسلاحه، ووزيره معه، فينادي المنادي بمكة باسمه وأمره من السماء حتى يسمعه أهل الأرض كلهم اسمه اسم نبي.

سپس او با آن سی‌صد و چند تن که بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، در حالی که عهد (وصیت) پیامبر و پرچم و سلاح آن حضرت با اوست به‌همراه وزیرش از مکه بیرون می‌آیند. منادی در مکه بنام و امر او از آسمان ندا می‌دهد؛ چنانکه تمامی اهل زمین آن را می‌شنوند. اسم او اسم پیامبر است.

ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله (ص) ورايته وسلاحه، والنفس الزكية من ولد الحسين، فإن أشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصوت من السماء باسمه وأمره، وإياك وشذاذ من آل محمد (ع) فإن لآل محمد وعلي راية ولغيرهم رايات، فالزم الأرض ولا تتبع منهم رجلاً أبداً حتى ترى رجلاً من ولد الحسين، معه عهد نبي الله ورايته وسلاحه، فإن عهد نبي الله صار عند علي بن الحسين ثم صار عند محمد بن علي، ويفعل الله ما يشاء. فالزم هؤلاء أبداً، وإياك ومن ذكرت لك...

بحار الأنوار: ج 52 ص 222، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب - الشيخ علي اليزدي الحائري: ج 2 ص 101.

هر آنچه برای شما ایجاد شبهه کند، عهد (وصیت) پیامبر و پرچم و سلاحش بر شما مشتبه نخواهد شد؛ و نفس زکیه از فرزندان حسین است و اگر این امر بر شما مشتبه بماند، آن صدای آسمانی به نام و امر او بر شما مشتبه نخواهد شد. از فریبکاران (شدان) آل‌محمد بر حذر باش؛ زیرا آل‌محمد و علی تنها یک پرچم دارند، ولی دیگران پرچمهای متعدد. پس خاننشین باش و هرگز از هیچ‌کدام از اینها پیروی مکن تا مردی از فرزندان حسین را ببینی که عهد (وصیت) و پرچم و سلاح پیامبر خدا با اوست؛ زیرا عهد پیامبر خدا به علی بن حسین و سپس به محمد بن علی رسید و [بعد از این] خداوند آنچه را بخواهد انجام می‌دهد.

همیشه با اینان باش و از آنهایی که برایت یاد کردم جداً بپرهیز.»

(بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۲؛ الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب - شیخ علی یزدی حائری: ج ۲ ص ۱۰۱)

- جاء في معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) لعلی الكوراني: (642) إذا قام قائم أهل محمد، جمع الله له أهل المشرق وأهل المغرب، فيجتمعون كما يجتمع قزح الخريف، فأما الرفقاء فمن أهل الكوفة، وأما الإبدال فمن أهل الشام) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) - الشيخ علي الكوراني العاملي: ج 3 ص 101.

- در دایرة‌المعارف احادیث امام مهدی ع، تألیف علی کورانی آمده است: «642 زمانی که قائم آل‌محمد قیام کند خداوند اهل مشرق و مغرب را برای او جمع می‌کند؛ پس آنها همانند پاره‌های ابر پاییزی جمع می‌شوند؛ اما دوستان از اهل کوفه و ابدال از اهل شام هستند.» (معجم احادیث المهدي - شیخ علی کورانی عاملی: ج ۳ ص ۱۰۱)

- وفي تفسير الميزان للطباطبائي: (في قوله: (لئن أخرجنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة) قال: العذاب خروج القائم (ع) والأمة المعدودة أهل بدر وأصحابه. أقول: وروى هذا المعنى الكليني في الكافي والقمي والعياشي في تفسيريهما عن علي والباقر والصادق عليهم السلام.

- در تفسیر المیزان آمده است: «در باره این سخن خداوند «و اگر عذاب را تا امت معدود به تأخیر اندازیم» منظور از «عذاب» خروج قائم ع، و منظور از «امت معدود» اهل بدر و اصحاب آن جنگ است.

می‌گوییم: این معنا را کلینی در کافی و قمی و عیاشی در تفسیر خود از امام علی و امام باقر و امام صادق ع روایت کرده‌اند.

وفي المجمع قيل:

إن الأمة المعدودة هم أصحاب المهدي ثلاثمائة وبضعة عشر رجلاً كعدة أهل بدر يجتمعون ساعة واحدة كما يجتمع قزح الخريف

قال: وهو المروى عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام) تفسير الميزان - السيد الطباطبائي: ج 10 ص 181.

و در مجمع لبيان آمده است که بعضی گفته‌اند:

منظور از امت معدود اصحاب مهدی ع است که عددشان سیصد و چند نفر است به مقدار عدد اصحاب بدر- که در یک ساعت دور آن جناب جمع می‌شوند؛ همان‌طور که تکه‌های ابرهای پاییزی دور هم جمع می‌شوند.

گفته است: این معنا از امام ابو جعفر و ابو عبد الله ع روایت شده است. « (تفسیر المیزان - سید طباطبایی: ج ۱۰ ص ۱۸۱)